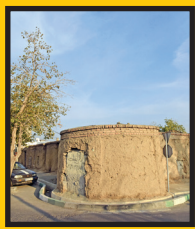


۱۱ هزار تومان برای چیتگر

قدمت چیتگر به ۱۲۰ سال قبل می‌رسد. زمین‌های کشاورزی چیتگر قبلاً متعلق به خاندان پروفسور حساسی بوده و به مرور زمان خشک یا به ساختمان، کارخانه و خانه‌های مسکونی تبدیل شده است. سال ۱۲۹۷ بود که پیداللحان میرزا حساسی کل منطقه چیتگر را با قیمت ۱۱ هزار تومان از «قمر تاج بیهانی» دختر آیت‌الله بیهانی خرید و ۶ هزار تومان آن را به صورت اقساط برداشت کرد. چیتگر شمالی از قدیمی‌ترین شهرک‌های تهران محسوب می‌شود.



۱۰۰۰ کیلو چای برای یاخچی آباد

از تاجر «ابوالقاسم مفرح» به‌عنوان بانی یاخچی آباد یاد می‌شود. او روزی سفارش خرید ۱۰۰۰ کیلو چای را به یکی از کشورهای خارجی می‌فرستد. اما مگسی در کنار سفرهای ۱۰۰۰ کیلو می‌نشیند و نقطه‌ای از خود به جا می‌گذارد. در نتیجه تاجر آن خارجی عمده را هزار کیلو می‌خوانند و می‌فرستند. از قضا چای گران می‌شود و به این وسیله مفرح ثروت زیادی بدست می‌آورد. در نتیجه اوکل یاخچی آباد را که روستا بوده می‌خرید و برای آبادی‌اش با ساختن مکان‌هایی مانند بیمارستان تلاش می‌کند.



۱۰ خروار اربابی برای یافت آباد

سال ۱۳۰۶ قمری، یعنی آخرین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، اجازه داده شد که اراضی خالصه که زمین‌های دولتی تهران بودند، فروخته شود. این ایده در دوره مظفرالدین‌شاه، به تهران هم سرایت کرد و بیشتر دهات اطراف تهران که خالصه دولتی بودند به اعیان و اشراف فروخته شد. عبدالحسین میرزا فرمانفرمایان، داماد مظفرالدین‌شاه، هم یافت آباد را که آن زمان پشت دروازه طهران قرار داشت به ۱۰ تومان و ۱ خروار اربابی خرید در حالی که هزار تومان و هزار خروار قیمت داشت.



۴۰ هزار تومان صرف نازی آباد

بانی شکل‌گیری محله نازی آباد، فردی به نام ناز خاتون یا امینه اقدس بوده است. طبق اسناد، ۱۶۸ سال پیش «امینه اقدس» ۴۰ هزار تومان از دربار پول می‌گیرد تا صرف آبادانی مزارع و کشتزارهای نازی آباد کند. او چند حلقه چاه هم حفر کرده و آب‌چاه‌ها را در اختیار کشاورزان می‌گذارد و از آنها آب‌بها می‌گیرد. سال ۱۳۳۴ امینه اقدس فوت می‌کند و چون ناصرالدین‌شاه علاقه زیادی به «هلجک»، برادر امینه اقدس داشت، قریه نازی آباد را به او بخشید.



روزگاری استخوان از گلو بیرون می‌کشیدند



نصرت‌الله حدادی
تهران پژوه

چهارراه گلوبندک در تقاطع خیابان پانزدهم خرداد و خیابان خیام یکی از چهارراه‌های قدیمی تهران است. علت نامگذاری این چهارراه را باید در میان خاطرات «حسن اعظام‌الوزاره» جست‌وجو کرد. او می‌گوید در کوچه‌های اطراف این محل افرادی در روزگار قاجار، به کار خارج کردن اجسام گیر کرده در گلولی افراد - مثلاً استخوان و امثالهم - مشغول بوده و با دمیدن (همان فوت کردن) در بینی افراد و بستن بلافاصله راه‌های خروجی یاد (از جمله گوش‌ها) آن جسم خارجی را بیرون می‌آوردند و این چنین شد که نام این محل گلوبند شد و با «گ» مصغری که بعدها به آن افزودند و با شکل‌گیری چهارراه، نامش را گلوبندگ گذاشتند! این چهارراه مدت‌هاست به خاطر موقعیت خاصش از ازدحام و ترافیک رنج می‌برد؛ به همین دلیل قسمتی از بخش‌های غربی و شرقی آن بسته شده، تا با ایجاد زیرگذر شاید علاوه بر حفظ ساختمان‌های قدیمی بخش شمال شرقی آن - کاخ دادگستری - تردد خودروها و آدم‌ها، ساده و سهل شود.

اقدسیه؛ هدیه شاه به سوگلی



عبرضامانی
تهران پژوه

نام هر یک از محله‌های تهران برای خود ماجرا و حکایتی دارند. محله اقدسیه در شمال شهر یکی از همان محله‌هاست که داستان نامگذاری آن مانند بسیاری از محله‌هایی که در زمان قاجار رشد کردند با این خاندان گره خورده است. مثلاً آبادی اقدسیه پیش از آنکه به این نام معروف شود میان اهالی آبادی‌های شمیران به نام حصارملا شناخته می‌شد. صاحب زمین‌های حصارملا هم محمدناصر خان ظهیرالدوله، پدر علیخان ظهیرالدوله بود. علیخان ظهیرالدوله بعدها شد داماد ناصرالدین‌شاه قاجار. محمدناصر خان ظهیرالدوله، این اراضی را به ناصرالدین‌شاه هدیه داد و شاه قاجار هم در این زمین‌ها برای خود یک عمارت کلاهدرنگی بنا کرد. ناصرالدین‌شاه کمی بعد از ساخت این عمارت که البته عمارت چندان بزرگی هم نبود، آن را به یکی از همسرانش، زبیده‌خانم، ملقب به امینه اقدس، هدیه داد و از همین دوره بود که نام این اراضی از حصارملا به اقدسیه تغییر کرد.

کی ساخته؟ این محله را

خاطرات محله‌های تهران با افرادی که روزگاری مشهور بوده‌اند گره خورده است

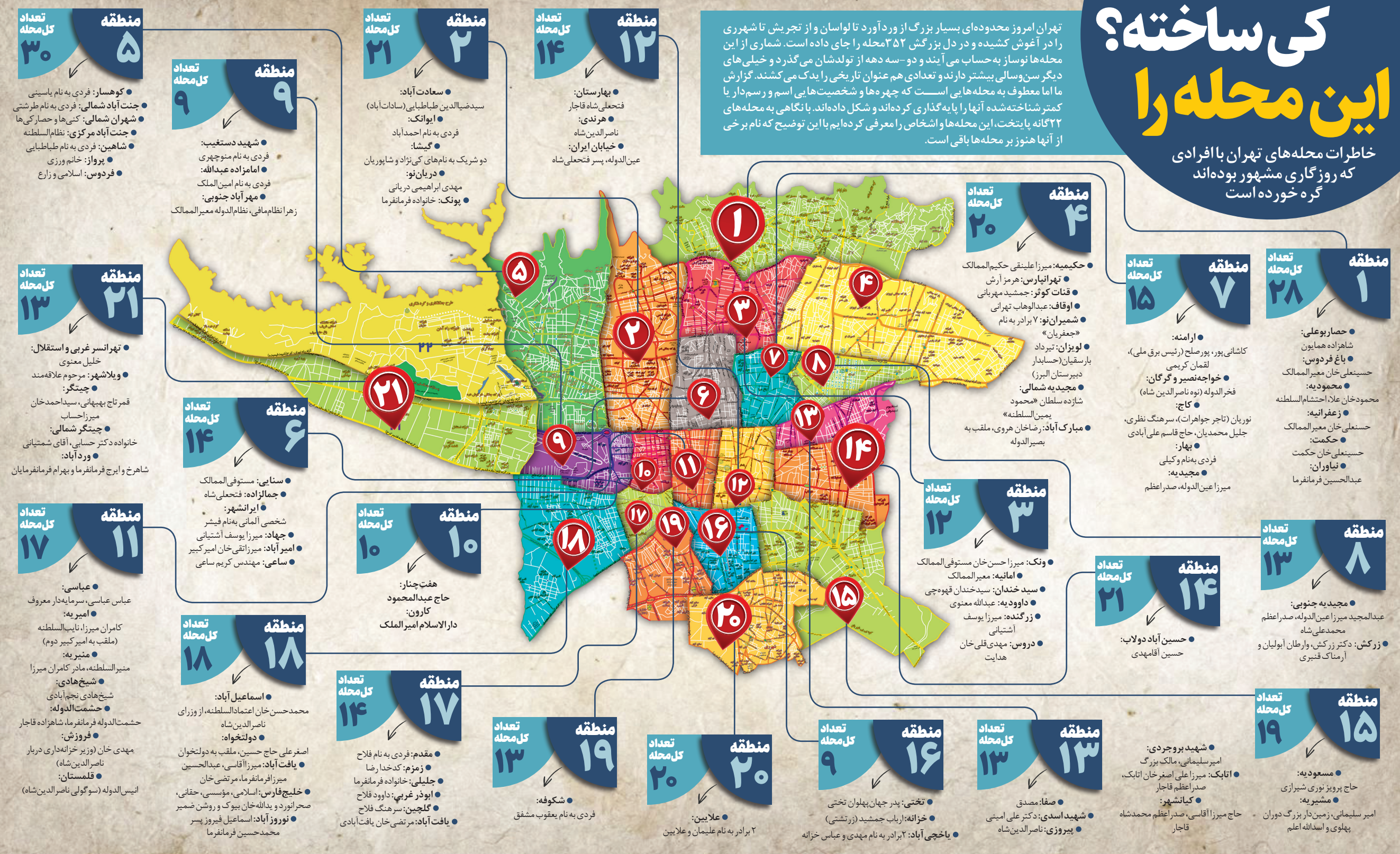
نام افراد تأثیر گذار بر محله‌ها ماند



مهرشاد کاظمی
تهران پژوه

از زمانی که ردای دارالخلافه به تهران پوشانده شد، افراد بسیاری در توسعه آن نقش داشتند. در آن زمان اغلب شخصیت‌ها و خان‌ها و بزرگان اقوام از شهرهای مختلف به تهران می‌آمدند و جایی را برای سکونت انتخاب می‌کردند. بعد از مدتی اقوام و همشهری‌ها ایشان هم می‌آمدند و در آن محدوده ساکن می‌شدند و وقتی محله شکل می‌گرفت نام بزرگ قوم‌شان را روی آن می‌گذاشتند. این میان کسانی که بیشترین مهاجرت را به تهران داشته و نقش بسیاری در آبادانی این شهر داشتند، از شهرهای استان مرکزی بودند. آنها کارهای ماندگاری از خود به جا می‌گذاشتند. از جمله بزرگان اقوامی که از اراک و اراکان و دیگر شهرهای استان مرکزی به تهران آمده و در این شهر تأثیر گذار بودند، یکی قائم‌مقام فراهانی بود که نیاز به شرح فعالیت‌هایش نیست و در سوی دیگر هم مستوفی‌ها بودند که محله‌های بسیاری از حسن آباد تا یوسف آباد را دایر کردند. نیاز به یادآوری نیست که محله حسن آباد از نام حسن مستوفی، بهجت‌آباد از نام خواهرش بهجت و یوسف‌آباد از نام پدرش یوسف وام گرفته‌اند. دلیل دیگری که این افراد در ساخت محله‌ها سهیم شدند این بود که وقتی ناصرالدین‌شاه حصار صفوی را خراب کرد، برای ساخت حصار جدید و ساخت خندق پول لازم داشت. شاه قاجار در ازای دریافت هزینه ساخت خندق و حصار، زمین‌های بسیاری را به مستوفی‌الممالک واگذار کرد که این زمین‌ها را به نام خود و فرزندانش آباد کرد.

البته در فرهنگ ما ایرانی‌ها این موضوع که نام محله به‌نام افرادی که آن را ساخته و آباد کرده باشند گره خورده، موضوع عجیبی نیست. چون مثلاً شهر بندرعباس را هم که شاه‌عباس توسعه داد و آباد کرد از همان زمان به این نام خوانده شده. برخی محله‌های تهران هم نام واقف زمین محله رویشان مانده است. مثلاً فیروز‌گرها جزو زمین‌داران بزرگ تهرانی بودند که برخی زمین‌هایشان را وقف کردند و هنوز هم نامشان روی کوچه و محله‌های تهران باقی مانده است. بحث وقف زمین و شکل‌گیری محله در دوره ناصرالدین‌شاه بیش از سایر دوره‌ها بود. چون همسران شاه بر سر اینکه نامشان به یادگار ماندگار بماند رقابت داشتند و برخی زمین‌ها و دارایی‌هایشان را وقف کردند و پایه شکل‌گیری محله‌هایی مثل اقدسیه، منیریه و... را گذاشتند.



برای اطلاع از نام محله‌ها
کویور کدر را اسکن کنید

۳ محدوده
در منطقه ۲ توسط مهدی ابراهیمی دریانی و دریانی‌ها آباد شده است. این محدوده‌ها شامل محله‌های شهرآرا، پاتریس و دریان‌نومی‌شود. او علاوه بر ساخت وساز مسجد، بوستان و حسینیه هم در محل ساخت.

۱۰ کتاب
دریاره تهران و هویت محله‌هايش منتشر شده است. کتاب‌هایی مانند بچه‌های مردمی تهران، هویت شهر، توسعه محله‌ها، تهران چگونه کلاشتر شد و مواردی دیگر از جمله این کتاب‌ها هستند.

۷ محله تهران
توسط بانوان آباد شده یا در توسعه‌اش ایفای نقش داشته‌اند. به‌عنوان مثال، منیرالسلطنه، مادر کامران میرزا، سوم پسر ناصرالدین‌شاه قاجار، در عمارتی سکونت داشت و به واسطه‌اش محله آباد شد.

۱۳۲۷ خورشیدی
سالی بود که سیدضیاءالدین طباطبایی، ده مخروبه و بدون سکنه‌ای را که زمین‌های آن ریزگار بود و ارباب داشت، خرید تادر آن علاوه بر ساخت وساز، کشاورزی کند و خرگوش پرورش دهد.